

**Predigt am Sonntag Quasimodogeniti, 19.4.2020,
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)
Pfr. Gerhard Triebe**

Jesaja 40,26-31:

اشعیا باب ۴۰ آیات ۲۶ تا ۳۱

۲۶ چشمان خود را به علین برافراشته ببینید. کیست که اینها را آفرید و کیست که لشکر اینها را بشماره بیرون آورده، جمیع آنها را بنام می‌خواند؟ از کثرت قوت و از عظمت توانایی وی یکی از آنها گم نخواهد شد.

۲۷ ای یعقوب چرا فکر می‌کنی و ای اسرائیل چرا می‌گویی: «راه من از خداوند مخفی است و خدای من انصاف مرا از دست داده است.»

۲۸ آیا ندانسته و شنیده‌ای که خدای سرمدی یهوه آفریننده اقصای زمین درمانده و خسته نمی‌شود و فهم او را تفحص نتوان کرد؟

۲۹ ضعیفان را قوت می‌بخشد و ناتوانان را قدرت‌زیاده عطا می‌نماید.

۳۰ حتی جوانان هم درمانده و خسته می‌گردند و شجاعان بگلی می‌افتند.

۳۱ اما آنانی که منتظر خداوند می‌باشند قوت تازه خواهند یافت و مثل عقاب پرواز خواهند کرد. خواهند دوید و خسته نخواهند شد. خواهند خرامید و درمانده نخواهند گردید.

اعضای عزیز ، او آنجا در "امپراتوری" کوچک خود نشسته و سعی می‌کند که قوی و شجاع باشد. البته او عمر طولانی کرده و در زندگی طولانی خود تجربه‌های گوناگونی داشته من جمله ، فرار در زمستان سخت قبل از پایان جنگ ، زمستان ، گرسنگی سال ۱۹۴۶ و زمان آواربرداری تا سرانجام اوضاع دوباره شروع به بهبود کرد. از نظر تحصیلی ، وقتی مدرسه را به پایان رساند ، او ایده‌های مختلفی را تجربه کرده بود ، اما در زمان کسی به آن صورت از او سوالی نمی‌کرد. و سرانجام ، ازدواج کرد ، دیگر فرصتی برای تمرین حرفه خود نداشت. آنها خیلی خوب پیش رفتند و توانستند با کودکان به تعطیلات بروند. هنگامی که بچه‌ها خانه را ترک کردند ، او اساساً مجبور شد همه چیز را دوباره شروع کند. از زمانی که او تدریس را کنار گذاشته بود ، خیلی چیزها تغییر کرده است. اما او خود را در آنجا یافت و پس از شبهای بی‌خوابی در آغاز کار ، حتی سرگرم‌کننده بود. این همچنین به نفع بازنشستگی وی - به ویژه اکنون که شوهرش فوت کرده بود .

اما او هرگز چیزی شبیه آن را ندیده بود. او احساس کرد که دوباره دارای اعتماد به نفس است . البته بچه‌ها و نوه‌ها مرتباً به او زنگ می‌زدند ، اما او قادر به تماس مستقیم بود. آنچه او نیاز داشت برای او برآورده شده بود . در آغاز او هنوز هم اخبار را از نزدیک تماشا می‌کرد ، اما اکنون دیگر نمی‌خواست درباره این ویروس و عواقبی که برای او به همراه داشت ، بشنود. بعضی اوقات او دلسردی و ناامیدی خود را آنقدر کاهش می‌داد که به سختی می‌توانست به آن کمک کند. گرچه خورشید درخشان بود و گلها در حال شکوفه شدن بودند ، اما روزهای تاریکی برای آنها بود.

این در حال حاضر فقط برای افراد مسن اتفاق نمی‌افتد. هیچ کودکی اکنون "تعطیلات کورونا" را جشن نمی‌گیرد ، و بزرگسالان نیز به طور فزاینده نسبت به محدودیت‌ها و استرس ناله می‌کنند. از

چهارشنبه گذشته همه ما گمان کردیم که هیچ چشم اندازی برای این وضعیت وجود ندارد. ما به برنامه ریزی، تصمیم گیری و طراحی عادت کرده ایم. اما در حال حاضر ما به وضوح متوجه می شویم که امنیت برنامه ریزی، آزادی انتخاب و قدرت طراحی ما چقدر به حداقل خود رسیده است. در حال حاضر قدرتهای دیگری وجود دارند که عمدتاً زندگی ما را تعیین می کنند.

برای بنی اسرائیلی ها ۲۵۰۰ سال پیش، این بابلی ها بودند که اسرائیلی ها از آنها شکست خوردند. پس از آن، اکثریت آنها از خانه روده شده و به بابل تبعید شدند. آنها اکنون مجبور شده اند بیش از ۵۰ سال در خارج از کشور زندگی کنند. بسیاری از کسانی که هنوز معبد و پادشاه را می شناختند، از آن زمان مردند - در یک کشور خارجی! مابقی آنها باید مانند برده ها به بابل خدمت کنند و روز به روز به آنها نشان داده می شود که خدای آنها چقدر بزرگ و قدرتمند است: بابل در اوج قدرت خود است، زندگی های لوکس و تشریفات باشکوهی را برای خدای خود ترتیب می دهد.

همه اینها فشارها را کم نمی کند. چرا خودت را عذاب می دهی؟ ما مثل پدران خود در اینجا خواهیم مرد. ما دیگر به وطن خود بر نمی گردیم. "پروردگار، چرا راه من از خداوند مخفی است و خدای من انصاف مرا از دست داده است؟ اینطور دیده می شود که عبادت آنها، به سوگواریهای شدید تبدیل شده اند. ظاهراً ما دیگر در افکار و برنامه های خدا ظاهر نمی شویم. او سرنوشت ما را تعیین کرده و ما در پایان راه هستیم.

سپس پیامبر سخن می گوید: "کسانی که منتظر خداوند هستند، قدرت جدیدی پیدا می کنند تا با بالهایی مانند عقاب ها پرواز کنند." این تقریباً مثل یک شعار به نظر می رسد. چرا که نه؟ آنچه که تعیین کننده است چیزی است که برای آن تبلیغ می شود. یک مبلغ دیگری که برای او تبلیغ می کند، همانند یک قرص جوشان کافئین دار، درست است که در داروخانه درست نشده است ولی برای اینکه ما از عوارض و خطرات جانبی آن بدون برنامه غذایی و ورزش خبردار شویم متصدی در باره آن به ما توضیح می دهد. پیامبر هم قدرتمندی او را تحسین می کند، که نامیده می شود: خدا.

او در اینجا به آنها چیزهایی را یادآوری می کند که از مدتها پیش می توانستند آنها را بشناسند زیرا آنها مدتهاست که آنها را می شنوند: که خداوند خالق آفریننده این جهان است. "خداوند، خدای ابدی که زمین را آفریده، خسته نمی شود، ذهن او غیر قابل کشف است". در نتیجه، دانش سکولاریسم فعال می شود. هرکسی که خسته و ضعیف شده است، باید به یاد بیاورد که او قبلاً هوشیار و قوی بوده است. و به آنچه آموخته است ایمان داشته باشد. در مواقع بیماری، در لحظه های ترس، در بحران های داخلی و خارجی، مسیحیان همیشه از آنچه آموخته اند در زندگی بهره جسته اند. و غالباً، که در زمان وقوع مشکلات این آموزه ها را بکار می بندند و در چنین مراحل زندگی از آنچه در این مدت می توانند حفظ کنند، سپاسگزار هستند.

البته برای بعضی ها، این چیزها "شترهای قدیمی" (یک ضرب المثل آلمانی است) باقی می ماند، داستانهایی از دیرباز که امروز به او کمی نمی کنند. و در واقع، آنچه آموخته شده است تنها می تواند شجاعت و آسایش را در صورت موفقیت در ایجاد ارتباط با زمان حال، با وضعیت اضطراری من ایجاد کند. در اینجا پیامبر اعتقادات خلقت را به این زمینه سوق می دهد: خداوند این جهان را آفرید، او آن را تا به امروز حفظ کرده و آفریده های خود را راهنمایی می کند. بنابراین او فقط کسی نیست که "بیگ بنگ" را راه اندازی کرد و از آن زمان همه چیز به تنهایی و به خودی خود ادامه داشته باشد و خدا خود را بازنشسته کرده فقط مانند رئیس جمهور افتخاری جهان می باشد.

در عوض ، او در کار است و از زندگی مخلوقات خود محافظت می کند و زندگی جدیدی را در فرایندهای طبیعی که پیرامون ما اتفاق می افتد ایجاد می کند.

به این ترتیب او تاریخ را به جلو سوق می دهد. اسرائیل ممکن است آن را بشناسد: خدا قبلاً او را از اسارت رهایی داده بود زمانی که اسرائیل هیچ امیدی برای آینده نداشت . و در جایی که دیگر راهی برای دیدن وجود نداشت و به نظر می رسید تنها عذاب وجود دارد ، او مسیر جدیدی را برای آنها در وسط دریا پیشگام کرد. و آیا این خدا دیگر راه به جایی ندارد و کاری از دستش بر نمی آید؟ -

خوب ، شاید ما فکر کنیم او ممکن است گزینه هایی داشته باشد ، اما برای من نیست. او مرا فراموش کرده است. در شرایطی که برای من خیلی سخت است او در کجا قرار دارد؟ اصولاً ما خودمان باید با مشکلاتمان سر و کار داشته باشیم. آیا او در تنهایی من به من کمک می کند؟ از کجا او به من کمک می کند تا با همه محدودیت ها و فشارها کنار بیایم؟ قدرت او را کجا می توانم مشاهده کنم؟ نه ، "راه من از خداوند پنهان است و حق من از طرف خدای من زائل می گردد." -

اما "نمی دانید؟ نشنیدید؟" پیامبر پاسخ می دهد ؛ شما با خدای ابدی سر و کار دارید. هیچ وقت این چیزها برای او وجود ندارد. پیر نمی شود و خسته نمی شود. او "زمین" را آفرید. بازوی او برای کمک به شما نیازمندان خیلی کوتاه نیست. او دور نیست و شما را فراموش نکرده است. او پنهان است درست است. اما او در آنجا حضور دارد و نه فقط به عنوان تماشاگر ساکت که دیگر درگیر آنچه اتفاق می افتد نیست بلکه به عنوان یک خالق است! این او است که همه چیز را در دست دارد. و قدرت آنها فقط تا زمانی که او می خواهد دوام می آورد. -

اسارت بابل ۷۰ سال به طول انجامید. اسرائیل با تلاش زمینی خودش نتوانست از آنجا خارج شود. اما پس از آن خدا معجزه وار مردم خود را از طریق پادشاه فارسی کوروش ، که هیچ یک از آنها "اشکار" نبود ، رها ساخت . حتی جمعه خوب برای او پایان مطلق نبود. وقتی کسی انتظار نداشت و نمی توانست باور کند ، مسیح برگشت. و آنچه در عید پاک برای او اتفاق افتاد ، می توان انتظار داشت: که خدا مداخله کند ، او شروع جدیدی را ایجاد می کند ، که او زندگی تازه ای می بخشد حتی در جایی که ما فقط بحران ها و فاجعه ها ، شکست ها و مرگ را می بینیم.

او به هیچ وجه بازنشسته نشده است ، اما تاریخ را با مردم خود ، در واقع با تمام دنیا سوق می دهد. او هرگز خسته نمی شود. و او می خواهد سهم خود را در این قدرت الهی با ما تقسیم کند : «او به خستگی و ناامیدی ، قدرت کافی برای غیرممکن ها می دهد. جوانان خسته می شوند و مردان می جنگند و می میمیرند. اما کسانی که منتظر پروردگار هستند ، قدرت جدیدی پیدا می کنند ، که با بالهایی مانند عقاب ها باز می شوند و پرواز می کنند و خسته نمی شوند ،

راه می روند و خسته نمی شوند کسانی که احساس خستگی ، غرق شدن ، ناامیدی و ضعف می کنند ، خداوند می خواهد آنها را آنها را بیدار و بیدار کند ، آنها را تشویق تا باتری های خود را شارژ کنند. ما می توانیم و باید روی خدا حساب کنیم. آنچه اکنون ما را آزار می دهد نباید آخرین راه و شکست باشد. ما باید به آینده امید داشته باشیم. ما از زمان عید پاک چشم انداز کاملاً جدیدی داشته ایم. از آنجا که در سرنوشت عیسی مسیح کاملاً روشن می کند که او در کنار ماست ، در آنچه که ما اکنون از آن رنج می بریم ، در حتی مرگ .

نه اینکه ما می توانیم از همه مشکلات به یکباره خلاص شویم ، و نه به این معنی است که باید آنها را اصلاح کنیم. اما این بدان معناست که ما مجبور نیستیم مانند آنها با تیغه های آسیاب بادی مبارزه کنیم ، بلکه وقتی واقعاً باید گریه کنیم ، باید لبخند بزنیم ، سعی می کنیم شجاع باشیم ، حتی اگر از

قدرت خود استفاده کنیم و با امکاناتی که داریم با آنها دست و پنجه نیم کنیم و در نهایت می بینیم که با همه این تفاسیر مدتهاست که از بین نمی روند. من همچنین نمی توانم بگویم که او چه برنامه ای با آنچه ما تجربه می کنیم داشته است. اما می دانم که در نهایت باید به بهترین وجه به ما کمک کند. زیرا ما تحت (بله) دلگرم کننده او زندگی می کنیم. اگر خدا ما را نمی خواست ، خدا این راه را در پای صلیب آغاز نمی کرد! ما می توانیم زندگی کنیم و کار کنیم زیرا او از ما لذت می برد ، زیرا ما آنقدر در قلب او عزیز هستیم که زندگی خود را از ما دریغ نمی کند.

اتفاقاً قرار نیست نیرویی که از ما الهام می گیرد خود ما باشد. در عوض ، ما باید "منتظر پروردگار" باشیم ، بنابراین به او امیدوار باشیم و به طور جدی برای آمدن و کار او صبر کنیم. کلمه عبری "صبر" از نظر زبانی با کلمه "بند ناف ، طناب" ارتباط دارد. از سویی ، این نکته به این واقعیت اشاره دارد که کسانی که نسبت به آنچه خدا قصد انجام دادن با او را دارد ، کنجکاو می کنند ، دارای خاصیت ارتجاعی جدیدی نیز می شوند - مانند کمان استری یا گیتاریست که فقط مورد استفاده قرار می گیرد ، اگر تنش دارند و خسته نمی شوند. از طرف دیگر ، پژواک می گوید که چنین امید و انتظار ما را مانند طناب می کشد. به عنوان یک قاعده ، شما در آستانه یک سفر خوب تعطیلات بیشتر از زمان بازگشت از آن هستید. پیامبر حتی از این واقعیت سخن می گوید که امید "بال های در حال رشد" است - نه اینکه سوار شویم بلکه قادر به تحمل سفر طولانی در بیابان با بالها هستیم.

ما غالباً از این مسیر نجات می یابیم. اما ما فقط بر روی آن تنها نیستیم - حتی اگر در حال حاضر فقط بتوانیم اقوام و دوستان خود را از راه دور ببینیم. به شخصه ، من متحیر هستم که بسیاری از علائم مختلف ارتباط انسان هنوز وجود دارد - از طریق تلفن ، چت تصویری ، ایمیل و حتی نامه . این وضعیت اضطراری حتی منجر به برخی تماسها شده است که در غیر این صورت وجود نخواهد داشت. بسیاری از ایده های خلاقانه نه تنها برای حفظ ارتباط بین یکدیگر ، بلکه برای نزدیک شدن و مراقبت خداوند فراهم شد. حتی اگر نتوانیم آن را ببینیم ، هنوز هم می توانیم آن را بشنویم: هر روز در رادیو هر روز در رادیو یا در خواندن کتاب مقدس ما ، هر یکشنبه در مراسم عبادی کلیسا ، حتی اگر در کلیسای خود ما بلکه در چهار دیوار خود ما اتفاق نمی افتد. یک نفر است که خسته نمی شود و خود را خسته نمی کند ، به ما نزدیک می شود و ما را تشویق می کند ، و به ما شجاعت می دهد و از ما حمایت می کند.

شاید که این روزها برای بعضی از افراد تاریک باشد - هیچ کس مجبور نیست شجاع و خوشحال باشد. همه ما ، تا حدی ، با تعمید مان با آب به عیسی مسیح مسخره شده ایم. او می خواهد ما را در این راه راهنمایی کند و در صورت لزوم ما را از این ورطه بیرون بکشد . این نه تنها نوید چشم اندازهای خوبی برای آینده می دهد بلکه هم اکنون می تواند راه خود را از طریق تاریکی و بیابان پیدا کند . آمین